

مراحل تحول موسیقی در کودکان

کودکان به کشف دنیای پیرامون خود که سرشار از صدا و موسیقی است علاقه فراوانی دارند. به نظر می‌رسد که این محرک‌های شنیداری می‌توانند از طریق ابزارهای بازی منجر به ارضای کنجکاوی‌های کودک شوند. به علاوه کودکان به گونه‌ای فعال به دنبال کشف و درک محیط موسیقایی خود هستند و به طور طبیعی به صداها، آواها و سازهای موسیقایی در دوره آموزشی تمایل نشان می‌دهند. بسیاری از مربیان بر این باورند که امروزه موسیقی همراه همیشگی کودکان است. چه، آنان از طریق رادیو، تلویزیون، ضبط صوت و در مکان‌های عمومی موسیقی را می‌شنوند و حتی گروهی از آنان با ابزارهای بازی موسیقایی - در حالی که آنها را همه جا به همراه دارند- در معرض موسیقی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب تا زمانی که موسیقی با این میزان در دسترس کودکان قرار می‌گیرد بهترین کار این است که آنان تحت آموزش قرار بگیرند.

از آنجایی که دوره کودکی فرصت مناسبی برای دریافت و آموزش‌های موسیقایی است و موسیقی بیشترین اثر بخشی را در این سن دارد به همین دلیل بسیاری از متخصصان بهترین سن را ۲ تا ۸ سالگی می‌دانند (مانی برنر؛ فرنی، ۱۹۸۳). کودکان برای نشان دادن استعداد درونی خود احتیاج به فرصت مناسب دارند. به علاوه، برخی از تحقیقات نشان دهنده آن است که ظرفیت موسیقایی کودکان در این سنین تحول بیشتری را پیدا می‌کند (ساموئل میلر، ۱۹۸۳). البته این بدان معنا نیست که کودکان بعد از ۸-۹ سالگی نمی‌توانند موسیقی را فراگیرند بلکه عشق به موسیقی، توانایی اجرا و موفقیت در موسیقی در هر سنی امکان پذیر است. بدین ترتیب چگونگی درک موسیقایی کودکان واجد مراحل است و دانستن آن می‌تواند به مربیان و والدین در زمان شروع آموزش و چگونگی آن کمک کند.

همزمان با تحول روانی- حرکتی کودکان، هر کودک باید مراحل تحول موسیقایی خود را طی کند. گرچه توالی مراحل در تمام کودکان به یک شکل صورت می گیرد اما سنین دستیابی هر کودک به هر یک از آنها می تواند با در نظر گرفتن تفاوت های فردی متفاوت باشد .

دوسالگی

- کودک با بدن خود به موسیقی واکنش نشان می دهد و غالباً این پاسخ ها با تاب خوردن بالا و پایین بدن همراه است .
- می تواند ترانه های کوتاه و ساده را یاد بگیرد .
- به شکل فزاینده ای توانایی دنبال کردن جهت ها را در ترانه ها دارد .
- با اشتیاق به ترانه های مورد علاقه اش واکنش نشان می دهد و معمولاً از بزرگسال می خواهد که آن را مکرراً بشنود .
- ممکن است بخشی از ترانه ها را بخواند (غالباً بدون رعایت زیر و بمی آن) اما بندرت ترانه ها را به طور گروهی می خواند .
- از شنیدن صداهای موزون برخاسته از وسایل خانگی و آلات موسیقی لذت می برد.
- توانایی تشخیص صداهای گوناگون را دارد.

سه سالگی

- توانایی ریتمیک بیشتری را دارد .
- توانایی تشخیص و خواندن بخش هایی از ترانه های آشنا را دارد اگرچه زیروبمی آن را رعایت نمی کند .
- ترانه های خود را می سازد.
- می تواند با موسیقی راه برود ، بدود و بپرد .
- از نمایش ترانه ها لذت می برد.

چهار سالگی

- می تواند مفاهیم پایه موسیقایی نظیر سرعت ، شدت و زیر وبمی را درک کند .
- افزایش قابل توجهی در دامنه گفتاری و توانمندی ریتمیک در او بوجود می آید .
- بخش های جدیدی را به ترانه ها اضافه و خلق می کند .
- از ترانه های پیچیده تر لذت می برد .
- ترانه های بامزه و سرگرم کننده را بسیار دوست دارد .
- گرایش به شنیدن فعال دارد (نظیرخواندن ، حرکت کردن ، بازی با انگشتان ، همراهی با موسیقی به کمک آلات موسیقی) .

پنج تا شش سالگی

- می تواند ملودی آشنا را باز پدید بیاورد .
- با ضرب آهنگ موسیقی حرکات موزون انجام می دهد .
- از خواندن و حرکات گروهی لذت می برد .
- علاقه به آوازهایی دارد که در آن می خواند و پاسخ می دهد .
- به موسیقی خاصی علاقه مند است .
- می تواند دو حرکت را به طور همزمان انجام دهد (برای مثال رژه برود و همزمان با آن دست بزند) .

هفت تا هشت سالگی

- می تواند متن اشعار و ترانه ها را بخواند .
- رقص های ساده محلی را که از بزرگسالان یاد گرفته است را اجرا کند .
- از دنوازی با دوستانش لذت می برد .
- ممکن است تمایل به کلاس های رقص یا سازنشان دهد .

- می تواند حرکات خود را با ضرب های موسیقی هماهنگ کند.
- می تواند دو یا چند صدا را با هم مقایسه کند.

منابع:

1-Brand,M.&Ferne,E.D.1983.*Music in the early childhood curriculum*.Childhood Education.

2-Pica,R.2000.Experiences in movement.Demar Pud.

3-Miller,S .& Gordon,E.,1979.Music psychologist for our time:A critique."*southwestern Musicia*